هنر هفته

برسد به دست فرمانده شهید لشکر فاطمیون

حسن روح‌الامین از معدود هنرمندان نقاشی است که در سال‌های اخیر نسبت به اتفاقات اجتماعی و مذهبی مختلف واکنش‌هایی دقیق و بجا و البته با زبان هنر انجام داده است. تصویرسازی تاثیرگذار او برای شهادت محسن حججی شهید مدافع حرم و نقاشی‌های عاشورایی خاص این هنرمند حالا نه تنها در ایران بلکه بسیاری از کشورهایی که نمایشگاه برگزار کرده است، تا حدی برای مخاطب آشنا بوده و او را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

او مانند اغلب نقاشان نیست که ابتدا تصویری را در عالم واقع می‌سازند و از آن عکاسی کرده و بعد نقاشی‌اش می‌کنند. او بی‌هیچ تصویر بیرونی، با اعتقاد قلبی خود آنچه را تصور می‌کند، روی صفحه نقاشی‌اش ترسیم می‌کند. نتیجه کارهایش هم آثاری حرفه‌ای است که می‌توان آنها را نوعی تصویرسازی حرفه‌ای در حوزه نقاشی به حساب آورد.

آثار او را می‌توان قابل استنادترین و استانداردترین روش برای ارائه فرهنگ دینی ایران به جهان دانست. آثاری که می‌تواند در مخاطب ناآشنا هم پرسش‌هایی ایجاد کند و او را به سمت کسب آگاهی بیشتر بکشاند. هر چند همان‌طور که پیشتر گفته شد، در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای به‌جا مانده از گذشته هم این شیوه روایتگری پی گرفته می‌شده، اما شیوه روح‌الامین تمام ویژگی‌های یک اثر جهانی را دارد و هر جا که برود حرفی برای گفتن دارد.

روح‌الامین این روزها تصویری از تازه‌ترین اثر خود را منتشر کرده است و درباره آن این‌طور توضیح داده است: جهت عرض ارادت خدمت برادر شهیدم محمدجعفر حسینی، فرمانده لشکر فاطمیون. این هنرمند پیش‌تر هم چند اثرش را به شهدای مدافع حرم تقدیم کرده است.

شهلا ریاحی، بازیگر پیشکسوت تلویزیون و سینما در ۹۴ سالگی درگذشت

خداحافظ عزیز!

شهلا ریاحی، بازیگر سینما و تلویزیون که او را با نقش‌های مادرانه‌اش می‌شناسیم، درگذشت

زینب مرتضایی‌فرد

فرهنگ و هنر

درست است که اولین زن کارگردان سینما در ایران بوده، اما کمتر کسی او را با این عنوان می‌شناسد. برای همه ما مادری است که با چشم‌های نگران گوشه‌ای از کادر ایستاده و چشم به در دوخته بود، یا در حال تلاش برای تغییر روند ماجرایی بود که زندگی او و اطرافیانش را تحت‌الشعاع قرار داده. شهلا ریاحی با نام اصلی قدرت‌الزمان وفادوست بازیگر سینما و تلویزیون و همان اولین زن کارگردان ایرانی که ما او را با چهره مادرانه‌اش مقابل دوربین دیده و شناخته‌ایم، دیروز بعد از سال‌ها درگیری با بیماری آلزایمر درگذشت. بیماری‌ای که از سال ۱۳۸۰ کم کم خاطرات مادر یا مادربزرگ مهربان سریال‌های خاطره‌سازی که پایش می‌نشستیم را از ما گرفت و او را به عنوان یک هنرمند خاطره‌ساز، بی‌خاطره کرد. بازی در ۷۱ فیلم سینمایی، ۲۷ سریال تلویزیونی و ۳۰ تئاتر در کنار عنوان نخستین کارگردان زن سینمای ایران نشان می‌دهد که ریاحی فعالیت‌های گسترده‌ای در عرصه‌های یاد شده داشته است. او طی سال‌های فعالیت خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی متعددی حضور داشت، اما اغلب او را با بازی‌های خوبش در سریال‌های تلویزیونی می‌شناسیم. اما بازی‌های ریاحی در سریال‌ها چگونه بوده که در ذهن مخاطب ماندگار شده است؟

ساده و صمیمی

ریاحی مقابل دوربین مادر بود، ذاتا مادر. آنقدر که می‌شد در هر رفتار و حرکتش مادری دلسوز و مهربان را دید که مادرانگی را نه بازی که زندگی می‌کند. ریاحی در گفت و گویی که به تازگی ایسنا منتشر کرده است، درباره بازی در نقش مادر اینطور می‌گوید: من ۳۵ سال داشتم که نوه‌دار شدم و از آن به بعد دیگر در سینما نقش مادر را بازی کردم و تمام نقش‌هایی را که بازی کردم، دوست دارم. هیچ حسرتی در تئاتر و سینما ندارم و تنها دوست داشتم نقش یک نابینا را بازی کنم.

هر چند این آرزوی ریاحی برآورده نشد، اما اگر برآورده شده بود هم احتمالا نمی‌توانست در هیچ نقشی جای آن مادر یا مادربزرگ ساده، صمیمی و مهربانی را بگیرد که در ذهن همه ما نقش بسته است.

پشتوانه هنری محکم

ریاحی در عرصه‌های مختلف هنری تجربه فعالیت داشت. همان‌طور که گفتیم در سینما، تلویزیون و تئاتر کارنامه پرباری دارد و در کنار همه این موارد دوبله را هم تجربه کرده است. پس او فن بیان را به‌خوبی می‌دانست و این موضوع را می‌توان در لحن کلامش وقتی مقابل دوربین می‌ایستد، به‌خوبی دید. او محکم حرف می‌زد، گاهی هم به اطرافیانش تحکم می‌کرد، اما این تحکم همراه است با چنان مهربانی که نمی‌توان دوستش نداشت.

ریاحی حتی هنگامی که در قالب یک مادر خسته و ناراحت از شرایط پیش آمده، مقابل دوربین می‌ایستاد، هرگز منفعل نبود، حتی وقتی لب از سخن می‌بست چشم‌هایش به‌خوبی می‌توانست توانایی بازیگری او را به رخ بکشد و نشان دهد او چگونه در سکوت‌ها می‌تواند با حالت چشم‌ها، نگاه و صورتش مخاطب را به سمت و سویی که می‌خواهد هدایت کند.

ریاحی تلویزیون، ریاحی سینما

شهلا ریاحی پس از پیروزی انقلاب در ۲۳ فیلم سینمایی از جمله دل‌شدگان و می‌خواهم زنده بمانم بازی می‌کند، بازی‌هایی که هر چند می‌توان گفت خوب بوده‌اند، اما توفیق سینمایی چندانی برایش فراهم نکرده‌اند، در عوض او در سریال‌های تلویزیونی می‌درخشد و بازیگر موفقی است. همان مادر یا مادربزرگی که از صمیمیتش حرف زدیم و بازی‌های صمیمی و قابل اتکایش را مرور کردیم. از میان ۲۸ سریال تلویزیونی که او بازی کرده، ۲۷ مورد به بعد از پیروزی انقلاب برمی‌گردد و کارنامه تلویزیونی پربار و موفقی را برای ریاحی ایجاد کرده است. یک دهه و نیم فعالیت در عرصه تلویزیون و بازی در سریال‌های متعدد از جمله این خانه دور است، همسایه‌ها، همسران و ... چهره مادرانه او را تا حدی تثبیت کرده که برای مخاطبان آن دوران تلویزیون چهره‌ای فراموش نشدنی است. چهره‌ای که هر چند از سال ۸۱ به بعد به علت بیماری‌اش در هیچ سریالی بازی نمی‌کند، اما گوشه‌ای از ذهن مخاطبان همیشه با نام و تصویر او آشنا و دوست می‌ماند.

بالاخره می بینمش

فعل این گزارش همه باید گذشته باشد. انگار که نیاز باشد بنشینم و از اول همه فعل‌ها را تغییر دهم، اما آدم‌ها تا در ذهن دیگری زنده اند، نمی‌میرند. این جاودانگی است که هنر به آدم‌ها می‌بخشد دیگر... در یکی از آخرین مصاحبه‌هایی که با شهلا ریاحی انجام شده، عکس خودش و حمیده خیرآبادی را می‌دهند به دستش. زل می‌زند به تصویر و نمی‌شناسد. وقتی به او می‌گویند این خانم حمیده است دوست تو. باز هم چیزی به‌خاطر نمی‌آورد. اما برای اینکه کسانی را که مقابلش ایستاده اند متقاعد کند، می‌گوید دوستم است دیگر، همیشه به هم لطف داریم. بالاخره می بینمش!

جمله آخر را هر چند ریاحی با چشم‌هایی خالی از احساس و شناخت دوستی که عکسش را در دست گرفته، بیان می‌کند، اما باز هم واقعی است، انگار مادری به نام شهلا این بار نقش متفاوتی را بازی می‌کند و در عالم فراموشی ناشی از آلزایمر هم باز با دوربین بیگانه نیست و تلاش می‌کند نقشش را خوب بازی کند. حالا شهلا واقعا حمیده را می‌بیند و می‌شود بارها صدایش در گوش آدم بپیچد که بالاخره می بینمش. بعد هم بازی مشترک آنها را در سریال تلویزیونی «این خانه دور است» به خاطر آورد، ریاحی و خیرآبادی خواهر هستند و مقابل دوربین با هم صمیمی حرف می‌زنند. حالا که هر دو دست‌شان از دنیا کوتاه است، شاید در عالم دیگر باز هم نشسته باشند و با هم حرف بزنند. در دنیایی که خبری از آلزایمر و بیماری نیست، دنیایی که در همان عبارت «بالاخره می بینمش!» ریاحی می‌شود لمسش کرد و به این فکر کرد که خیلی هم دور نیست از هیچ کدام ما....

کارنامه

آنچه در دنیای تصویر با او گذشت

بچه‌های طلاق

کارگردان و تهیه‌کننده: تهمینه میلانی/ رضا بانکی

داستان: یک دانشجوی رشته سینما به نام فرشته، مربی خصوصی دختر نوجوانی است به نام عاطفه که والدینش متارکه کرده‌اند و... / سال ساخت: ۶۸

دو فیلم با یک بلیط

کارگردان و تهیه کننده: داریوش فرهنگ/ غلامرضا معیری

داستان: یک کارگردان بعد از سال‌ها از آمریکا برگشته تا نخستین فیلم خود را بسازد و... / سال ساخت: ۶۹

دلشدگان

کارگردان و تهیه کننده: علی حاتمی

داستان: فیلم برداشتی شخصی از دو داستان واقعی در زمان قاجار است که در آن گروهی از نوازندگان سازهای ایرانی برای پر کردن صفحه موسیقی به پاریس در سال ۱۲۸۶ شمسی سفر می‌کنند. / سال ساخت: ۷۰

بدل

کارگردان و تهیه کننده: جهانگیر جهانگیری

داستان: صفدر کوکبی به عنوان یک بدل در فیلم ها بازی می‌کند و به صفدر استالونه معروف است... / سال ساخت: ۷۲

می خواهم زنده بمانم

کارگردان و تهیه‌کننده: ایرج قادری/ مرتضی شایسته

داستان: اصلان و ماه‌منیر به خاطر ناسازگاری با یکدیگر از هم جدا می‌شوند و... / سال ساخت: ۷۳

این خانه دور است

کارگردان و تهیه کننده: مسعود رسام و بیژن بیرنگ

داستان: «رحیمه خانم» ساکن خانه سالمندان می‌شود و...

سال ساخت: ۷۰ و پخش در سال ۷۴ از شبکه دو

سنگ و شیشه

کارگردان و تهیه‌کننده: جمشید حیدری

داستان: «احمد دانش» به اتهام قتل پدرش دستگیر و محاکمه می‌شود و...

سال ساخت: ۷۲ پخش: شبکه دو

همسایه ها

کارگردان و تهیه کننده: حسن فتحی

داستان: این مجموعه درباره چندین خانواده و همسایه است که همگی در یک محله زندگی می‌کنند و هرکدام ماجرایی دارند.

سال ساخت: ۷۲ پخش: شبکه ۲

همسران

کارگردان و تهیه کننده: بیژن بیرنگ/ مسعود رسام

داستان: قصه به ماجراهای دو زوج که با هم همسایه اند برمی گردد.

سال ساخت: ۷۳ پخش: شبکه دو

لحظه قاصدک

کارگردان و تهیه کننده: ایرج حبشی/ حسن احمدی

داستان: دو نوجوان به نام های میلاد و مینا پیش از سفر به خارج تصمیم می‌گیرند ایام نوروز را ایران بمانند و...

سال ساخت: ۸۱ پخش: شبکه ۲

علاوه بر این ها مرضیه، رویای نیمه شب تابستان، چشم عقاب، مهمانپذیر طوبی، در پنهان، برسر دوراهی، خانه در آتش و... هم از دیگر حدود ۷۰ اثر سینمایی و بیش از ۲۰ سریالی اند که او در آنها حضور داشته است.